

عنوان مقاله:

غربی زدایی سینما؛ لزوم بازاندیشی در شیوه های اندیشیدن، نظریه پردازی و فیلم سازی غیرغربی (با تاکید بر سینمای عباس کیارستمی)*

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات رسانه های نوین، دوره 4، شماره 14 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 38

نویسندگان:

سیدعماد حسینی - دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

شهاب اسفندیاری - استادیار گروه سینما، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مرضیه پیراوی ونک - دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

سنا شایان - کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، ایران

خلاصه مقاله:

در دهه پنجاه میلادی، فیلم های متمایز غیرغربی، توجه بسیاری از مردم جهان را به خود جلب کرد. از آن پس، رویکردهای مطالعاتی متفاوتی برای شناخت و تحلیل این فیلم ها و نیز مقاومت در برابر سینمای غرب به وجود آمد، از جمله می توان به سینمای سوم [1]، سینمای دیاسپوریک [2]، سینمای پسااستعماری [3]، نظریه امپریالیسم رسانه ای [4] و... اشاره کرد. نگارندگان معتقدند این رهیافت ها در طی زمان، با توجه به تغییرات سیاسی، اقتصادی، ارتباطی به خصوص بالا رفتن سواد رسانه ای [5]، ایجاد و گسترش شبکه های توزیع رسانه ای و... دیگر آن کارآمدی سابق را ندارند. در این مقاله کوشش شده با مرور و کنکاش در این رویکردها، آن ها را نقد، و با بررسی وضع موجود در جریان های مختلف مطالعات سینمایی، لزوم بازاندیشی در این رویکردها را تبیین کنیم. در این پژوهش نظری، که با روش مونتاز و با استفاده از منابع کتابخانه ای صورت گرفته، در پی آنیم که لزوم عبور از دوقطبی رایج غرب/دیگری [6] را که مبنای نظری جریان های پیشین مقاومت در برابر غرب در طول تاریخ سینما است، یادآوری کنیم و نشان دهیم غربی زدایی مطالعات فیلم [7] به عنوان روشی نوظهور برای مقاومت در برابر سینمای غرب چگونه هدف خود را مرکززدایی [8] از غرب قرار داده است نه طرد غرب یا جابه جایی مرکزها. با غربی زدایی مطالعات فیلم درمی یابیم سینمای غرب نیز سینمایی است در کنار سینماهای دیگر که هویت و ارزش دارد و در دنیای چندکانونی و چندفرهنگی حاضر می تواند حضوری زایا، پویا و عادلانه داشته باشد. نظریه پردازان معاصر فیلم قبل از نقد و تحلیل هر فیلم لازم است زمینه فرهنگی آن را بشناسند تا بتوانند به درک نزدیکی از هویت خاص آن نائل آیند. در این پژوهش سینمای عباس کیارستمی از منظر غربی زدایی بررسی شده است. کیارستمی با تکنیک هایی همچون کندی ریتم، نماهای طولانی، استفاده حداقلی از موسیقی و دیگر تکنیک ها، توانسته است تفاوت فیلم های خود را با فیلم های غربی به رخ بکشد؛ همچنین با الهام شعر ایرانی (کهن و معاصر)، نمایش های آیینی (همچون تعزیه)، و دیگر آثار فرهنگی ایرانی اسلامی، توانسته است به سینمایی دست یابد که هدفش، برخلاف سینمای رایج که سرگرمی است، وادار کردن مخاطب به اندیشیدن است. * این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری سید عماد حسینی با عنوان رهیافت غیرغربی به مطالعات فیلم در دانشگاه هنر اصفهان است. [1] Third Cinema [2] Diaspora cinema [3] Post colonialism cinema [4] Media imperialism theory [5] Media literacy [6] West/Other [7] De-Westernizing Film Studies [8] Decentralization

کلمات کلیدی:

سینما، سواد رسانه ای، غرب، غربی زدایی مطالعات فیلم، عباس کیارستمی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/894239>



